

## وحدت کلمه، وحدت عمل

□ دکتر منوچهر اکبری

(استاد دانشگاه تهران)

سخنان مردان الهی و اولیای از خویش گذشته و به منزل رسیده همیشه رهگشا، هدایتگر و سرلوحه و نجات‌بخش خواهد بود. آنان که با عنایت ربانی در موضع رهبری و زعامت عامه و هدایت جامعه قرار می‌گیرند، برای پیشبرد اهداف و نائل آمدن به منویات و پیاده کردن طرح و نقشه خویش بخصوص آنجا که مأموریت خطیر برپا کردن نظام و حکومت جدید داشته باشند، اصول و استراتژی و طرح و برنامه دقیق و حساب شده‌ای دارند، اگر موفق نشوند بعید است در طراحی اولیه خطا کرده باشند، مگر امت و پیروان او نقشه راه را گم کرده باشند یا در پیاده کردن دقیق اصول یا بخش‌هایی از طرح خطا و سهو و نисانی صورت پذیرفته باشد.

امام خمینی معمار بی‌بدیل انقلاب اسلامی که واقعاً پس از قریب دو دهه مبارزه، سختی، مشقت، تبعید، حصر و حبس توانست انقلاب بزرگ و شگفت و الهی خویش را به ثمر برساند، برای هر مرحله از حرکت خود برنامه داشت و در سالهای تبعید مرانامه و اصول و اساسنامه و مبانی نظام جدید را بصورت درسهایی برای یاران محدود و اصحاب واقعی و خاص خود تبیین کرد. بعداً همان تقریرات درسی بصورت کتاب «حکومت اسلامی» چاپ شد.

امام خمینی با شناخت بسیار عمیقی که از ایران داشت شرایط و زمان شروع نهضت را بقدری دقیق رصد کرده بود که واقعاً اعجاب همگان را برانگیخت. حتی بسیاری از کسانی که امام



را می‌شناختند و همراه او بودند، در ابتدا تصور نمی‌کردند ورود امام به مخالفت با رژیم مستبد و دیکتاتوری پهلوی که به‌واقع قدرت اول منطقه بود تا آنجا پیش رود که به سرنگونی رژیم پهلوی و برپایی جمهوری اسلامی منجر شود. مگر نبودند افرادی که در مرحله‌ای از نهضت و انقلاب از جریان ریشه‌ای، اصیل و بنیادین امام خمینی به جابجایی یا نوعی رفرم رضایت می‌دادند و ادامه خواست و اصرار امام بر سرنگونی رژیم طاغوت را امری قریب به محال می‌دانستند. بقدری پایه‌های رژیم طاغوت را قوی و مستحکم می‌دانستند که تصور فروریختن آنرا نداشتند. امام هم برای رسیدن به اهداف خود از یک نیروی سازمان یافته یا ارتش منسجم و قوی برخوردار نبود. با تنوع اقوام، عدم سنخیت طبقات، طیف‌ها و صنوف جامعه و عدم برداشت یکسان از اهداف و حتی اندیشه‌ها و تلقی و قرائت ایشان از نظام اسلامی مورد نظر خود روبرو بود. از اختلاف‌های ریشه‌دار تاریخی و فکری بین اقشار جامعه و حتی اختلاف شدید در تعیین نوع حکومت و قانون اساسی بخوبی آگاه بود. حتی از انواع مسلمانان در ایران قبل از انقلاب هم مطلع بود. از گروهی که باورهای دینی آنان در حد شناسنامه بود، شیعه بودند اما از گناه و معصیت و خطا و حتی مفسده هم پرهیز نمی‌کردند. از مسلمانان سنتی که حتی تصور نبود کشور بدون وجود شاه را نداشتند تا گروهی از غریزدگانی که چشم و گوش بسته کعبه آمال و آرزوهای خود را در پیروی و تقلید و تبعیت گام‌به‌گام از غرب می‌دانستند. از متحجرانی که از دین و مذهب به اعمال ظاهری و پوسته ظاهری بی‌روح دلخوش کرده بودند تا انقلابیونی که حتی با دمیدن روح تازه توسط امام در کالبد خسته آنان تصور نمی‌کردند بتوان از همان خاک جهان تازه، با طراوت، زنده، با نشاط، معنوی و روشن و امیدبخشی را انتظار کشید. یادمان باشد برخی از جریانهای مذهبی که خود را از دیگران در انجام اعمال و عبادات مقیدتر می‌دانستند به نوعی انتظار پناه برده بودند که استاد شهید، علامه مطهری از آن به «انتظار ویرانگر» یاد می‌کند و برخی از ویژگی‌های آنان را چنین بر می‌شمارد: «برداشت قشری از مردم از مهدویت و قیام و انقلاب مهدی موعود این است که صرفاً ماهیت انفجاری دارد، فقط و فقط از گسترش و اشاعه و رواج ظلمها و تبعیضها و اختناقها و حق‌کشیها و تباهیها ناشی می‌شود، نوعی سامان یافتن است که معلول پریشان شدن است. آنگاه که صلاح به

نقطه صفر برسد، حق و حقیقت هیچ طرفداری نداشته باشد، باطل یکه‌تاز میدان گردد، جز نیروی باطل نیرویی حکومت نکند، فرد صالحی در جهان یافت نشود، این انفجار رخ می‌دهد و دست غیب برای نجات حقیقت - نه اهل حقیقت زیرا حقیقت طرفداری ندارد - از آستین بیرون می‌آید. علیهذا هر اصلاحی محکوم است، زیرا هر اصلاح یک نقطه روشن است. تا در صحنه اجتماع نقطه روشنی هست دست غیب ظاهر نمی‌شود، برعکس، هر گناه و هر فساد و هر ظلم و هر تبعیض و حق‌کشی، هر پلیدی به حکم این که مقدمه صلاح کلی است و انفجار را قریب‌الوقوع می‌کند رواست، زیرا «الغایات تبرر المبادی» هدفها وسیله‌های نامشروع را مشروع می‌کنند، پس بهترین کمک به تسریع در ظهور و بهترین شکل انتظار ترویج و اشاعه فساد است» (ص ۶۲ و ۶۳ قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ، مرتضی مطهری).

این بماند که برخی از افراطیون آنها اعتقاد داشتند تشکیل حکومت یا نظام اسلامی در غیاب امام عصر (عج) نه تنها قابل اجرا نیست بلکه نوعی غضب حق امام زمان خواهد بود. تا آنجا که دچار انحراف و سوء برداشت شده بودند که (خرابی چون که از حد بگذرد آباد می‌گردد) نابسامانی و پریشانی و آشفتگی و حتی تبعیض و ظلم را زمینه‌ساز ظهور می‌دانستند و به حدیث معروف «یَمْلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا بَعْدَ مَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا» نیز برای اثبات مدعای خود استشهد می‌جستند. عجیب اینکه آن گروه که برخی از هواداران سرسخت آن امروز در برخی از مساند و پست‌ها جا خوش کرده‌اند و پس از رحلت امام هم بی‌احساس خطر بر اسب مراد تند می‌رانند امروز داعیه‌دار اجرای عدالت علوی‌اند و خود را یاران واقعی منجی کل معرفی می‌کنند. در حالی که قبل از انقلاب بزرگترین رسالت خود را مبارزه با بهائیت می‌دانستند و اگر هر از گاهی یک بهائی را به اسلام وارد می‌کردند احساس می‌کردند بزرگترین رسالت را ایفاء کرده‌اند در حالی که خدا می‌داند در اثر سوء تعبیر و تلقی و قرائت از دین و مذهب چه خیل عظیمی را از دین فراری داده‌اند. با بیان این مقدمات واقعاً معلوم می‌شود امام چه هنری در رهبری دین امت از خود نشان داده است که توانست آنهمه تنوع شیوه و اعتقاد و اندیشه را برای تشکیل جمهوری اسلامی همراه کند.



□ امام خمینی با برنامه‌ای دقیق و حسابشده، قبل از پیروزی، ایران را یکپارچه‌سازی و متحد کرد

□ امام آنقدر که به وحدت و حضور مردم تأکید می‌ورزید هرگز به کارآمدی سلاح و تجهیزات نظامی معتقد نبود

اگرچه وحدت حوزه و دانشگاه به عنوان شاخص‌ترین نوع وحدت بین اقشار جامعه جا افتاده است اما با بررسی جزئی و جامعه‌شناسانه و حتی روانشناسی جامعه آن روز ایران درمی‌یابیم که امام چه رنجها کشیده است تا ایران پهناور را برای استقرار حکومت و نظام مقدس جمهوری اسلامی آماده کند. او سینه‌ای داشت به پهنای فلک.

به اشارتی گذرا یادآور شدیم که امام خمینی شناخت بسیار دقیق و عمیقی از جامعه ایران داشت. با وجودی که قریب به پانزده سال از ایران دور بود آنهم در شرایط تبعید اما تمام زوایا، مشکلات و پیشینه تاریخی جامعه چند طیفی ایران را دقیقاً می‌شناخت. چه بسا از بسیاری از افراد که در ایران بودند و از نزدیک با ایرانیان سروکار داشتند عمیقتر و دقیق‌تر جامعه را می‌شناخت. امام با برنامه دقیق و حساب شده قبل از پیروزی ایران را یکپارچه‌سازی و متحد کرد. ایران مثل بسیاری از کشورهای همجوار و مشابه، مجموعه‌ای از قومیت‌ها، فرهنگ‌ها، آداب و سنن، رسوم و عقاید و زبانهاست. از جهت تنوع قومیت، ایران با عراق و افغانستان و پاکستان و هندوستان تفاوت چشمگیری نداشت. هنر رهبری امام این بود که برای شکست طاغوت و مات کردن حریف غدار و قدرتمندی مثل آمریکا و امارش چون انگلیس و اسرائیل به بسیج توده‌های میلیونی پردازد و به واقع انقلاب مردمی برپا سازد. امام آنقدر که به وحدت و حضور مردم تأکید می‌ورزید، هرگز به کارآمدی سلاح و تجهیزات نظامی معتقد نبود. بی‌تردید نیروهای فکری طاغوت در عین حال که در صدد بودند ایران را متکثر و متفرق نداشته باشند، اما سیاست و جهت کلی مدیریتی آنان متکی

بر وحدت ایمانی و الهی نبود. شاید بتوان وحدت پان‌ایران‌یسم یا چیزی شبیه به آنرا از کارهای آنان دانست، رژیم پهلوی نه تنها به وحدت عقیدتی و دینی اعتقاد نداشت بلکه شدیداً از شکل‌گیری و تقویت و تحکیم آن ممانعت بعمل می‌آورد. البته به یکپارچگی ایران فکر می‌کرد اما نه ایران اسلامی بلکه در عمل ایرانی لائیک اگر هم قدرت نداشت تفکر دینی را کلاً بزداید. سعی داشت مذهب راه خود را برود البته کم‌رنگ، بی‌رمق، بی‌خاصیت و حکومت راه خود را طی کند. امکان داشت در مواردی هم برای جلوگیری از شورش و قیام مردمی حتی از مذهب و دین خرج کند نه از سر اعتقاد قلبی، بلکه برای تجاهل توده‌های ساده‌اندیش. در یک کلام دین را در خدمت قدرت و حکومت و دربار می‌خواست، از امام جمعه صوری تهران انتظار داشت در سفرها برای سلامتی شاه و همراهان دعا کند، هرگونه تفسیر و تلقی و تعریف و قرائت از اسلام انقلابی را شدیداً منکوب و سرکوب می‌کرد. به تعبیر مرحوم مدرس به جدایی دین از سیاست قائل بود. البته نه دین انقلابی و اسلام ناب محمدی آنگونه که امام می‌خواست.

امام در عین کثرت به وحدت معنوی و قلبی و الهی اندیشید و آن را با تمام توان برقرار ساخت. با این سیاست، عظیم‌ترین نیرو را برای مقابله و شکست طاغوت تحت فرماندهی داشت که همانا ملت رشید و موحد و انقلابی و پاک‌باخته و ایثارگر و شجاع ایران بود. بخصوص اوایل انقلاب حتی پس از پیروزی در اکثر ملاقاتها و به مناسبتهای مختلف بر حفظ و تحکیم و تقویت وحدت تأکید می‌ورزید. وحدت را در ساحتها و سطوح مختلف و در وضعیت‌های گوناگون مطرح می‌ساخت.

از جمله وحدت بین دو طیف دانشگاهی و روحانی جزء آرزوهای قلبی امام بود. وحدت بین امت اسلامی و حتی وحدت جهانی مستضعفان عالم برای قیام در برابر مستکبران، وحدت بین امت اسلامی در برابر جبهه کفر و وحدت بین نیروهای مسلح در پیشبرد اهداف بلند دفاع مقدس نمود بارز آنهاست. امام ارتش شاهنشاهی را که با اهداف استعماری و مأموریت‌های استثمارگری تشکیل شده بود با نیروهای انقلابی مثل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی کنار هم نشانده. از تجربه و تخصص ارتش برای تقویت سپاه استفاده کرد. افسران متعهد و متخصص و متدین ارتش را برای تشکیل و



سازماندهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که بسیار جوان و نوپا بودند استفاده کامل برد. از آن سو روحیه ایثار و اخلاص و شهادت طلبی و آرمانی را از سپاه به ارتش منتقل می کرد. بدون آنکه به برخی از توصیه های افراد که چه بسا از سر شیطنت و ناآگاهانه هم بود گوش دهد. نه ارتش را منحل کرد و نه نیروهای نظامی و انتظامی دیگر مثل شهربانی و ژاندارمری را تعطیل کرد. آنان را کنار هم، حتی موازی راه می برد آنقدر آنها را همراهی کرد که شرایط سیاسی - اجتماعی، ضرورت ادغام آنها را تحت عنوان نیروی انتظامی جمهوری اسلامی متشکل از شهربانی، ژاندارمری، کمیته های انقلاب اسلامی و برخی سازمانهای نیمه مسلح فراهم آورد.

امام می دانست که دو طیف یا قشر دانشگاهی و حوزوی اگر متحد شوند برکات عظیم و غیرقابل وصفی در پی دارد. می دانست که با این وحدت دو شیوه تعلیم و تربیت مکمل یکدیگر خواهند بود. می دانست که این وحدت بسیاری از مشکلات و معضلات فراروی را حل خواهد کرد. می دانست که هرچند این وحدت تأخیر بیفتد یا خدای ناکرده صوری شود چه عوارض منفی و خسرانهایی را در پی دارد.

می دانست که اگر قومیت ها را زیر یک لوا و پرچم و یک هدف متحد نسازد کشور منسجم نخواهد شد. امام بر اصل محوری و مهم وحدت فقط در سالهای قبل از پیروزی تأکید نمی ورزید. بخصوص پس از پیروزی انقلاب که اصل خطرناک سهم خواهی مطرح می شود باز بر وحدت تأکید داشت. وقتی حتی جامعه یکدست می شد و اکثریت قاطع به نظام جمهوری اسلامی رأی داده بودند، کسی نمی دانست چرا باز هم امام تا بدان حد بر وحدت تأکید می ورزد و از آن پاسداری می کرد. اگرچه برخی از آرزوهای امام حتی تا پایان عمر هم عمیق و پایدار عملی نشد و آنچنان که آن عزیز آرزو و در نظر داشت، وحدت، جامعه عملی بخود نپوشید، اما حداقل به دوران قبل از انقلاب هم باز نگشت. اگرچه اندکی دردناک است اما واقعاً بدان میزان که امام بر وحدت حوزه و دانشگاه مصر بود و تأکید می ورزید عملی نشد. در برخی از سالها هر یک راه خود را می رفتند. در روز وحدت حوزه و دانشگاه که مقارن و با سالگرد روز شهادت دکتر مفتاح اعلام شده بود مجالسی صوری در حوزه و دانشگاه تشکیل می شد و همه از مزایا و محاسن و

برکات این طرح صحبت می‌کردند و فردا باز فراموشی بود و غفلت. البته امام برای تحقق وحدت مناسبت‌هایی را مطرح کرد ولی هرگز منکر کثرت تفکر و نگاه و قرائت در دانشگاه و مقاومت در برابر شیوه‌های اجرایی نشد. وحدت در عین کثرت را اصل قرار داده بود هرگز به حذف قطعی و نهایی یک جریان و گروه و جناح درون نظام نپرداخت. اگرچه از برخی مواضع و نگاه‌ها و حتی صنفا حمایت می‌کرد اما بدان معنی نبود که دیگران را حذف کند یا به حاشیه براند یا منزوی گرداند.

امام می‌دانست که وحدت تا جنبه قلبی ایمانی - و عملی بخود نگیرد کارآمد و مفید و مثمر نخواهد بود. می‌شود میلیون‌ها قطره را در ظرف‌های جدا کنار هم قرار داد، اما این قطره‌ها مادام که بهم نپیوندند نه حرکت خواهند کرد، نه موج می‌آفرینند و نه کارایی دارند. اگر بهم پیوستند ضامن بقای دریا خواهند بود. رودخانه پشتوانه دریاست. رودخانه حرکت میلیاردها قطره است. رودخانه در مسیر رسیدن به دریا دهها نقش ایفاء می‌کند، هم پاک می‌کند هم مزارع و کشتزارها و مردم و... را سیراب می‌سازد و هم به لطافت هوا کمک می‌کند. اگرچه از بُعدی از خویش مایه می‌گذارد و کاسته می‌شود. اگر اندک آب باریکه‌ای هم از آن رودخانه به دریا بریزد، مقصد و مقصود هر دو فراهم آمده است. امام سعی داشت در پیامها، راهپیمایی‌ها، در دیدارهای جمعی، در اعیاد و شادی‌ها، در مراسم سوگ‌های ملی یا مراسم عزا و مصیبت، زمینه‌های همدلی و همراهی را برای امت خویش فراهم آورد. وقتی ضایعه یا خسران یا سُلْمه‌ای به کشور وارد می‌شد و یا موضوعی مثل جنگ پیش روی امت قرار می‌گرفت آنرا برکت می‌نامید. برخی از آنان که ساده‌اندیش بودند و به ظاهر سخن توجه می‌کردند، با سؤال و اعجابی روبرو می‌شدند که کجای جنگ دارای برکت است، جنگ دارای سختی، نامالایمات، ضایعات، ویرانی، اسارت، بهم ریختن ساختار جامعه، بهم خوردن نظام خانواده، گسست اقوام و آشنایان و حتی از دادن عزیزان را در پی دارد. حتی برخی از عوارض و میراث جنگ شاید تا دهها نسل هم زودده نشود. اما امام می‌دانست که یکی از مهمترین برکات ایجاد وفاق ملی، همدلی و رها کردن و چشم‌پوشی از منافع محدود شخصی در راستای تقویت منافع ملی بود. واقعاً وقتی در دوران دفاع مقدس همه

□ امام، وحدت در عین کثرت را اصل قرار داده بود و هرگز به حذف قطعی و نهایی یک جریان و گروه و جناح درون نظام نپرداخت

□ امام می‌دانست که وحدت تا جنبه قلبی ایمانی و عملی به خود نگیرد کارآمد و مفید و مثمر نخواهد بود

اقوام، زبانها، فرهنگ‌ها در کنار هم به یک تیپ یا گردان یا لشکر را تشکیل می‌دادند، هدف آنها یکی بود، مهم نبود فرمانده فارس است یا آذری یا لر یا کرد یا کرمانی است یا اصفهانی یا تهرانی است یا مشهدی، شهری است یا روستائی، فقیر است یا مرفه.

وقتی خوزستان و غرب ایران مورد تهاجم قرار گرفت، همه ملت ایران آن مناطق را ناموس مشترک خود می‌دانستند و برای نجات و آزادسازی خرمشهر و آبادان و گیلان غرب و سایر مناطق چه بسا جوانان و نیروهای اعزامی استانهایی که اصلاً درگیر مستقیم جنگ نبودند و حتی کیلومترها با جبهه مستقیم فاصله داشتند، رشادت و حماسه آفرینی بخرج دادند به گونه‌ای که گویی واقعاً خانه و کاشانه و ناموس و حیثیت آنان به خطر افتاده باشد. این جای سؤال است که مگر از عمر انقلاب اسلامی چند سال گذشته بود؟ حمله سراسری و تجاوز گسترده صدام تقریباً بلافاصله پس از پیروزی انقلاب اسلامی بود. هنوز بسیاری از استانها و زیرساختهای نظام شکل نگرفته بود که به وسعت بیش از دو هزار کیلومتر، کشور مورد تهاجم قرار گرفت. شاید در آغاز جنگ کسی نمی‌دانست دستهای پیدا و پنهان و حامیان صدام چه کشورهایی هستند. اما می‌دانستند که حداقل در آنچه مورد تهاجم قرار گرفته بود شمال و جنوب و شرق و غرب و... نداریم. ایران برای بیش از چهل میلیون ایرانی عزیز بود. شاید حتی شرایط انقلاب زندگی برخی را با نارسایی همراه کرده بود، اما مهم نبود چون به تعبیر بسیار عرفانی، بلند و معنوی امام، ملت ایران امت واحده الهی بودند. امام فقط بر وحدت حوزه و دانشگاه تأکید نمی‌کرد بلکه وحدت دولت و ملت و ارتش، وحدت



خود نیروهای مسلح از هر سنخ، وحدت دانشجویان، وحدت شیعه و سنی، وحدت مجلس و دولت را مهم می‌دانست. امام با تیزبینی خارق‌العاده می‌دانست که در ایران بخصوص در مناطق مرزی و برخی مناطق حساس، اهل سنت بسیار است. هرگز اجازه نداد این اختلاف که عمری بلند و طولانی و سرنوشتی پرفراز و نشیب داشت قد علم کند، سر برکشد، اظهار وجود بکند.

در همان روزهای نخست، بودند افراد بسیار افراطی که اهداف والا و چشم‌اندازهای بلند نظام را از یاد می‌بردند، با تنگ‌نظری حتی به وحدت اهل تسنن و تشیع دلخوش نبودند، تصور می‌کردند حالا که فرصتی فراهم آمده باید حق علی(ع) را از اهل تسنن گرفت، حتی افراد افراطی و بسیار تندرو در خلوت خویش به تسویه حساب تاریخی فراگیر با اهل سنت هم فکر می‌کردند.

همین موضعگیری موجب جبهه‌گیری آنسوی قضیه می‌شد. سلب اعتماد اهل سنت از شیعیان، و در مواردی چشم به غیر دوختن و نظر به غریبه داشتن برای کشور، بسیار خطر آفرین می‌نمود. امام از تفاوت نگاه و حتی تلقی دانشگاهیان هم کاملاً باخبر بود. و مگر این اختلاف بین عالمان بزرگ و متقی حوزه در تفاسیر و تعریف از دین و مسائل و موضوعهای مختلف فقهی و شرعی نیست؟ امام مردی بود که بخوبی از نوع تحلیل‌های آیت‌الله صالحی نجف‌آبادی از نهضت امام حسین خبر داشت. از اندیشه‌ها و تحلیل‌ها و موضعگیری‌های استاد دکتر علی شریعتی هم باخبر بود. از نگاهها و تلقی‌ها و تحلیل‌های استاد شهید مرتضی مطهری هم کاملاً آگاه بود، حتی از برداشتهای بعضاً انحرافی اصحاب انجمن حجّیه در دوران طاغوت هم خبر داشت. علاوه بر اینها حواشی و آرای عالمان بزرگ را با تمام اختلاف‌ها در ساختها و زمینه‌های فقهی، فلسفی، کلامی و عرفانی را نیز دقیقاً مطالعه می‌کرد. هرگز منع نکرده بود که آثار شریعتی چاپ نشود. هرگز با تعطیلی فعالیت‌های کامل انجمن حجّیه - که قبل از انقلاب حتی رژیم طاغوت هم بر آنان چندان گرفت و گیری روا نمی‌داشت - قائل نشد، اگرچه بدانان انتقادهایی داشت و سعی می‌کرد آنان در پست‌های کلیدی حکومتی قرار نگیرند یا حداقل اندیشه‌های خویش را در جاهایی که بودند حاکم نکنند. در مواردی هم رسماً از اعمال سلیقه آنان جلوگیری می‌کرد و در برخی از سخنان و پیامها خطر ترویج و رونق مجدد آنان را به صراحت یادآور می‌شد اما بخوبی می‌دانست که حذف



کلی و ریشه‌ای و نادیده گرفتن آنان جواب نمی‌دهد و آنان را به تشکیل جلسات مخفیانه و پوشیده و پنهان کاری و پنهان‌پژوهی و می‌دارد که این شیوه فعالیت، بسیار خطرناک است. هدف بزرگ امام این بود که تمام سلاقی را در صحنه نگه می‌داشت و البته در حد خودشان در عین حال که با اندیشه‌های مبنایی و راهبردی و معنوی و بلند خویش نظام را اداره می‌کرد. البته مقایسه عصر امام با عصر و دوران پس از حضرتشان کار درستی نیست. بدین معنا که یک سال از دوران پس از آن بزرگوار را با همه دوره پس از ایشان نمی‌توان در یک کفه نهاد. واقعاً تعبیر آن شاعر بسیار بجاست که او خورشید بود و ما ذره‌ایم. هیچ کس هم به مقایسه ایشان با دیگران به معنی برابری یا تساوی قائل نیست. اینک مائیم و جریان پیش روی پس از انتخابات. یقیناً جریان انتخابات ریاست جمهوری دوره دهم بقدری هم که بسیاری از تحلیل‌گران معتقدند، پیچیده نیست. افرادی که از صافی سخت شورای نگهبان رد شده و عملاً هم رضایت علنی و آشکار و پنهان رهبر معظم انقلاب را داشته‌اند در چارچوب نظام مقدس اسلامی و قانون اساسی به صحنه آمدند. البته تنوع نگاه و سلیقه و تفاوت نگرش مخصوص در نوع مدیریت کشور داشتند، این خود از برکات انقلاب اسلامی و نظام پویا، بالنده و رشید ایران است. این موضوع متأسفانه در اثر بی‌تدبیری هر دو سوی قضیه، هر روز پیچیده‌تر هم می‌شود. این جریان (انتخابات) موجب تسویه حساب با افراد شده است. واقعیت تلخ، دردناک و تاحدی ماندگار حوادث پس از انتخابات کدورت و تیرگی و عدم زلالی را برای برخی برجای نهاده است. آنان که فکر می‌کنند هیچ خطایی حتی در قبل و بعد از انتخابات صورت نگرفته، سخت در اشتباهند و آنان هم که فکر می‌کنند موضعگیری‌های همه جریانها و گروهها و حتی داوطلبان معصومانه بوده است سخت در اشتباهند. و البته دشمنان انقلاب اسلامی هم همیشه در لحظه‌های پریشانی، آتش‌بیار معرکه‌اند. اگر نگوییم صحنه‌گردان اصلی بوده‌اند اما کنار هم، ننشسته و ساکت نبوده‌اند.

حد معقول و منطقی تعریف واقعی (بی‌کم و کاست) نقش‌آفرینی همه گروهها جریانها، افراد و تشکل‌ها در این واقعه است. این که برخی موضوع را تا حد سرنگونی و تغییر نظام مقدس، قوی، مستحکم و ریشه‌گرفته اسلامی بزرگ می‌کنند مبالغه می‌کنند و هم در حق انقلاب و مردم جفا

می‌کنند. زیرا همیشه حضور مردم بزرگترین سرمایه و مؤید نهضت بوده است. این که برخی هم درصددند عقده‌های متراکم سالهای خاموشی و انزوای خویش را سرمدیران حدوداً سه دهه پیش خالی کنند و همه آنان را خائن و بیگانه‌پرست و وطن‌فروش و لیبرال و وابسته بدانند باز اشتباه است. اگر آنگونه که امام در مواضع و مواقع متعدد و اتفاقاً بسیار پیچیده‌تر از این تصمیم گرفت می‌اندیشیدند و عمل می‌کردند گرمای تنور انتخابات به آتش فتنه تبدیل نمی‌شد که تر و خشک را بسوزاند. آنان که برای خروج رقیب تا مرکز تغییر نظام پیش می‌روند ناخواسته بن شاخه‌ای را می‌برند که خود بر سر آن نشسته‌اند. این انقلاب بحدی در جان ملت ایران ریشه دوانده، بقدری با جان ملت عجین شده است، بقدری مردم پای آن ایستاده‌اند که تصور تغییر ساده آن امری قریب به محال است. این نهضت بیدی نیست که به این باده‌ها بلرزد یا خدای ناکرده بشکند یا سقوط کند یا بیفتد. امام بساط تمام گروه‌ها و جریانهای الحادی و حتی مسلح وابسته به شرق و غرب را با سرانگشت تدبیر جمع کرد. امام تمام افرادی را که در انتخابات متعدد به صحنه می‌آمدند جمع مؤمنان و برادران ایمانی می‌دانست در عین حال که اجازه انتقاد سازنده را می‌داد، اما هرگز اجازه خط‌شکنی و تهاجم و حرکت‌های حذفی را نمی‌داد. نسل اولی‌ها که هنوز گوش جان‌شان با زمزمه‌های کلام آرامبخش و توحیدی امام عزیز آشناست و طنین صدای گرم آن عارف الهی و روحانی کبیر را بیاد دارند می‌دانند که امام در موارد اختلاف چگونه با سرانگشت تدبیر گره‌گشایی می‌فرمود.

امام حتی اجازه نداد آن روزها که برخی از اسناد و سوابق افراد به سادگی در اختیار افراد و گروه‌ها، حتی مردم کوچه و بازار افتاده بود، افشاگری صورت گیرد. اجازه نداد حتی در کوس رسوایی افراد بدسابقه دوران طاغوت بدمند. با بزرگ منشی و دقیقاً در راستای وحدت ملی، رفع موانع وحدت، همراهی دلها، پیوند قومیت‌ها و یکدلی امت فرمود: میزان وضع فعلی افراد است. (رک صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۴۵۲) این جمله تاریخی و کلمه قصار ایشان را که ما بیاد داریم. و البته این بدان معنا نیست که افراد باسابقه مبارزه، انقلابی، رنج کشیده و زندان رفته با کسانی که یک شبه اسلام نما شده‌اند یکی هستند. با تعامل خاص خویش می‌گفت نباید بجان یکدیگر بیفتند



□ امام تمام افرادی را که در انتخابات متعدد به صحنه می آمدند جمع مؤمنان و برادران ایمانی می دانست

□ جای تعجب است که همه به قانون گرایی تأکید می کنند ولی در اجرای قانون، گام عملی بر نمی دارند

در عین حال همه افراد فاسد منحرف و گنه کاری را که بخشش عام آنان را جفا در حق انقلابیون و مبارزان می دانست از مسیر و مجرای قانون محاکمه کرد و هر کدام را بحکم شرع و قانون مجازات نمود. واقعاً اگر برخی از تندروها را آزاد می گذاشت چه بسا خیل عظیمی از نیروهای مسلح و نیروهای امنیتی و اطلاعاتی و مدیران و مسئولان دوران طاغوت را به تیر می بستند. امام حتی از ارتش شاهنشاهی و تابن مسلح که بخواست فرماندهان جبار و وابسته در برابر ملت صف کشیده بودند ارتشی الهی، اسلامی، انقلابی، شهادت طلب، وطن دوست و مبارز و قوی در برابر بیگانگان ساخت. یادتان هست که برخی از مسئولان آن روز نظام از سر کم تجربگی یا حتی ساده لوحی می گفتند ارتش باید منحل شود و البته در همان دوران هم این خواستهای شیطانی را برخی عوامل بیگانه چه بسا بیشتر از افراد نظام پیگیری می کردند و شعارش را می دادند. واقعاً مدیران نظام اسلامی، آنان که سالها در مسندهای اجرایی خدمت کرده اند، در سایه نظام ولایت مدار به مسئولیت های قانونی رسیده اند بدتر از طاغوتی هایند که اینقدر بر طبل افشاگری و رسوایی آنان می کوبند؟ همه گذشته را ابطال می کنند. خدا کند از سر سادگی باشد که بر همه دوران قبل از خود قلم بطلان می کشند والا اگر از سر آگاهی باشد، جای هزاران گلایه باقی است زیرا تمام دولتها قانونی روی کار آمده اند همه تأیید و تنفیذ رهبری معظم انقلاب را داشته اند. از مجلس تأیید گرفته اند و با رأی اعتماد روی کار آمده اند. از دیگر سو هم ابطال همه خدمات سالهای اخیر بخصوص چهار سال را خطا و غلط پنداشتن هم جفاست حتی اگر از جهت مدیریت در نقطه کاملاً متفاوت ایستاده باشند.

دریغ از این غفلت خانمانسوز، دریغ از این سوء تدبیر و عناد و اصرار مضر، دریغ از این که برای آرام گرفتن آتش قهر و عصیان به یک یا چند نفر محدود، قیصریه را به آتش می کشیم! اگر قرار است به وضعیت افراد خاطی رسیدگی شود که نباید به افشاگریهای عمومی آنهم از طریق رسانه‌ها پرداخت. باور کنید در برخی از میزگردهای رقیبان انتخاباتی بقدری ضعف و بی‌تدبیری بود که ما، در برابر فرزندانمان شرمسار می شدیم که چرا خودزنی تا این حد؟

یقین می‌دانم اگر امام زنده بود یا هرگز اجازه این گونه مناظره‌ها را نمی‌داد یا در رعایت حرمت و حیثیت و آبروی همه نیروهای نظام بیش از این حساسیت نشان می‌داد. یادمان نرفته که برخی از مناظره‌ها از خط خارج می‌شدند و خود را نادیده می‌گرفتند و به محاکمه نیروهای نظام آنهم بر سر خلق می‌پرداختند. همانگونه که مقام معظم رهبری هم در تحلیل موضوع انتخابات به ایرادها اشاره کردند. از جمله ایرادها نبود برنامه‌ها از سوی رُقبای بود. با وجودی که حضرتشان بخوبی می‌دانستند که بسیاری از برنامه‌ها شعار زده بود.

امروز آنچه باید بدان تأکید شود حفظ وحدت، بازسازی بازگشت به خویشتن خویش - بازگشت به اصول و مبانی برای تحکیم وحدت این ملت بزرگ است. نمی‌دانم کی و با همت چه کسی باید آشتی یا وفاق ملی صورت پذیرد. باید به همان تعبیر زیبای امام عزیز برگردیم که احیای «امت واحده اسلامی» است. باز هم برخی کنایه آلود سخن می‌رانند، بر طبل تخریب رقیب می‌کوبند. از این اصرارها و غرورزدگی و لجاجت‌ها و حریف‌کشی‌ها هیچکس نفعی نمی‌برد. البته قانون‌گرایی و تسلیم و اطاعت در برابر قانون باید برای همه تکلیف باشد. جای تعجب است که همه از عالی‌ترین سطوح تا سایر سطوح به قانون‌گرایی تأکید می‌کنند ولی در اجرای قانون گام عملی بر نمی‌دارند. این زخمها هرچه کهنه‌تر شود بدتر می‌شود. حتی معتقدم ترمیم، اصلاح و درمان این زخم چه بسا دیر هم شده است. ادعای اداره کشور توسط یک طیف خاص کار درستی نیست اگر نگوئیم عبث است. تک‌صدایی حتی در زمان امام هم کاری از پیش نبرد. ملت ما جنگ را با همه طیف‌ها، اقشار، اقوام و... به پایان برده است. امام تا می‌توانست از ریزش نیروها جلوگیری می‌کرد و با مناعت و بزرگواری همه را بر خوان نعمت انقلاب اسلامی کنار هم می‌نشانند. بخوبی

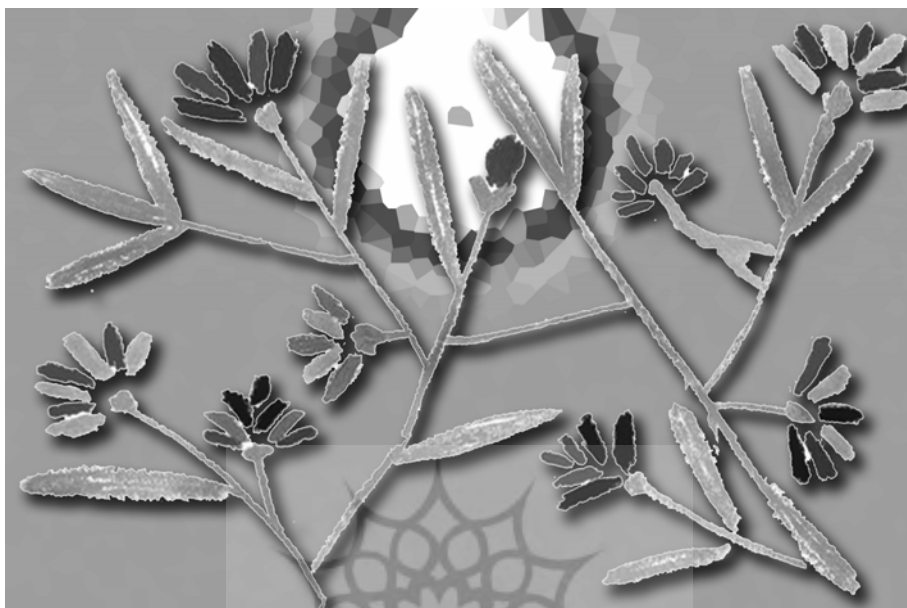
می دانست که از حذف حتی یک نفر از مهره‌های شطرنج انقلاب اسلامی کسی سود نمی‌برد. نمی‌توان میلیون‌ها نفر را با توجیه ریزش نادیده گرفت. نمی‌توان امت واحده را متفرق دانست. از فتنه تفرقه بارها متضرر شده‌ایم، چرا اینک بر آن پای می‌فشاریم!

امام عزیز در طول یک دهه حضور پربرکت خویش علل تفرقه را چنین برمی‌شمارد:  
۱- توطئه شیاطین، ۲- هواهای نفسانی، ۳- گروه‌گرایی‌های مفرط و ۴- جزیی‌نگری. کافی است در فرصتی دیگر و در خلوتی خاص به عناوین فرعی و جزئی آن از نظر امام نظری بیندازیم و خود را در کفه نقد و محاسبه قرار دهیم تا معلوم شود هر کس در کدام دام گرفتار است و راههای بازگشت و احیا و خلاص از این مهلکه چیست.

امام، برقراری امت واحده اسلامی را بین امت تمام کشورهای مسلمان می‌دانست. دردناک این است که امت واحده اسلامی در درون نظام هم اندکی متفرق، دلگیر و متحیر است. جمعی آن شادابی مورد نظر، آن دلزندگی و تفرج روح را که در شرایط قبل از اعلام نتایج داشت، تا حدی از دست داده یا حداقل رنگ باخته. کدورتی هرچند نهان در دلها وجود دارد دو سوی قضیه لبخند شادی به یکدیگر نمی‌زنند. با یکدیگر عنادآلود و دشمن‌وار رفتار می‌کنند. اگر به دعوت پدران و دلسوزانه رهبر فرزانه انقلاب در یک جلسه گرد هم آیند اما به واقع یکدلی وجود ندارد، با تعریض و کنایه با یکدیگر برخورد می‌کنند. هر جناح دیگری را تهدید می‌کنند. از صدای طبل تفرقه فقط دشمن شاد می‌شود. هنوز به هیچ رهنمودی از سوی بزرگان نظام تن نداده‌اند. مثل اینکه نمی‌خواهند یکدیگر را تحمل کنند. در این انتخابات همانگونه که رهبر معظم انقلاب فرمود پیروز واقعی مردمند که بار دیگر به تحکیم نظام مقدس اسلامی ایران تأکید ورزیدند. تا طرفین دعوی به اصل انقلاب به میراث گرانقدر و عظیم و بی‌ظیری که از سوی آن سفر کرده بر ایشان به یادگار مانده است از سر دل و عمق جان نیندیشند، تا بار دیگر به عظمت کار امام و رنجها و مصایبی که برای برپایی این نظام مقدس خورده شده فکر نکنند تا خاضعانه با خدای خویش خلوت نکنند و البته از او استمداد نطلبند تا از او نخواهند که آستانه صبرشان را بالا ببرد و خود هم بخواهند که بر تحمل اصحاب انقلاب بیفزایند، کاری از پیش نمی‌برند. اینکه یک جناح بخواهد جناح دیگر را

حذف کند و به تعبیر برخی از صاحب‌نظران تا از تمامت‌خواهی دست نکشند همین شرایط موهوم و مذبذوم و کینه‌ورزیها و بدبینی‌ها و ... ادامه می‌یابد. از اول انقلاب از همان روزهایی که هنوز ارکان نظام شکل نگرفته بود، انحصارطلبی و خودمحموری سر برکشید، مگر در همان اوایل بین یاران و برخی همراه‌شدگان از خارج برگشته در حتی اصلی‌ترین رکن این نظام یعنی ولایت فقیه اختلاف نبود؟ مگر بر سر تعیین نوع حکومت مباحث متعدد مطرح نشد؟ و مگر برخی که اصلاً نظام را با آموزه و جوهره اسلامی نمی‌خواستند با شوخ‌چشمی هرچه تمام‌تر بر حذف واژه اسلامی تأکید نداشتند و برای حذف باطلشان صدها صفحه مطلب و توجیه و برهان روشنفکرانه! نداشتند؟ و از سوی دیگران کسانی که واقعاً به تشکیل حکومت و نظام اسلامی در غیاب امام عصر (عج) اعتقاد قلبی و باطنی نداشتند بر حذف جمهوریت نظام پای نمی‌فشرده‌اند؟ و به رأی مردم و پارلمان و انتخابات و مجلس و جمهور ناس نه تنها خوشبین نبودند بلکه اصولاً این شیوه و مبانی و ملزومات را قبول نداشتند. دهها توجیه تاریخی هم برای اثبات نظریه خودشان جور نمی‌کردند؟ و بیاد داریم آن زعیم بلامنازع، آن فقیه سترگ و اصولی و آن متفکر به‌واقع روشنفکر، و آن مجتهد خبیر که بر اصل تأثیر زمان و مکان در صدور فتاوی شرعی و فقهی در عین اعتقاد به اصول و آرای فقه جواهری چگونه صریح، قاطع، انقلابی و البته با پابندی کامل به اصول «جمهوری اسلامی» نه یک کلمه بیش نه یک کلمه کم را تثبیت کرد و بر نگاه باطلی که متأسفانه امروز هم برخی بر آن اصرار می‌ورزند خط بطلان کشید. امروز هم برای ادامه راه برای رسالت خطیری که در شرایط ناخواسته یا نفس‌زده فراهم آمده است باید همه با هم باشیم. باید از تمام ظرفیتهای بهره برد. عجباً از این تنگ‌نظری که فرزندان و نیروهای انقلاب حتی تحمل کنار هم نشستن را ندارند. خدایا ما را از خود نفسانی برون آر. خدایا ما را از این سایه شوم تفرقه که نظام را تهدید می‌کند رهایی بخش. خدایا هیچ کاری جز رضایت تو حقانیت ندارد فقط رضایت تو اصالت دارد. به دل‌های مسئولین و متولیان و مدیران و سیاسیون و دولتمردان و ... نوری از صفا و برادری و ظرفیتی بیشتر عنایت فرما. خسران این همه تعامل را چه کسی باید بدهد؟ خدایا اگر این کینه‌ها در دل ما رسوب کند چه





نیرویی می‌تواند آن را پاک کند؟ خدایا همانگونه که ما قبل از انقلاب امت متفرقی بودیم و فقط تو ما را مصداق این کلام بلند، نورانی و نجات بخش خود گردانی که: «فألف بين قلوبكم فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا» (آل عمران/۱۰۳) بار دیگر دل‌های ما را به نور قرآن روشن بفرما. خدایا غرورهای کاذب را در وجود ما بمیران. منیت‌های خانمانسوز را از ما دور بگردان. ریشه‌های انحصارطلبی، خودبینی، قدرت طلبی و رگه‌های تکبر آنهم در برابر دوستان انقلاب و یاران امام و فرزندان امام و انقلاب را در دل ما خشک بگردان. خدایا بما نیرویی عطا فرما که اسیر خودبزرگ‌بینی نشویم. خدایا اگر در برابر دیدگان شهدا شرم نمی‌کنیم، اگر از معایب و گرفتاریهایی که برای برپایی این نظام کشیده شده درس عبرت نمی‌گیریم، اگر بقدری اسیر قدرت و خودبینی شده‌ایم که از مرحمت خود محروممان کرده‌ای، حداقل با تلنگری ما را مُتنبه کن. خدایا آنان که از نگاه بلند امام حیا نمی‌کنند، آنان را احیاء مرحمت فرما. خدایا اگر آتش قهر تو صرفاً به جهت کفران نعمتی



که در حق میراث معنوی و الهی تو (برپایی نظام اسلامی) دامن ما را بگیرد چه کنیم؟ خدایا آنان که در برابر عظمت اندیشه صحت راه و صراط خمینی خودی می نمایند آنان را عذاب فرما. خدایا تاکنون خطر بیگانگان، دغدغه متولیان امور بود و این دغدغه قابل درک و تقابل بود اینک جنگ بدر تمام شده است و اسیر تقسیم ارث شده ایم. خدایا ما را درس آموز عبرتهای تاریخی کن. خدایا اگر خواسته یا ناخواسته در دل گروه، جناح، طیف، قشر یا افرادی مهر بیگانه رشد کرده است آن را خشک بگردان. خدایا تو خود می دانی که این ملت پیاس معامله مخلصانه ای که با تو کردند در تمام آزمون ها سربلند برآمدند، تحریمها، منافقین، ترورها، حملات گوناگون دشمنان بخصوص جنگ را تنها و تنها و فقط به اتکای نیروی لایزال خودت و البته ایشار همه جانبه پشت سر گذاشتند و بقدری خالص و پاک و ایمانی شدند که امام عزیز می فرمود ملت ما الهی شده است. چه شده است که از آن خلوص الهی اندکی کاسته شده است. خدایا همه مردم رضایت تو را می خواستند که بار دیگر حماسه حضور را تکرار کردند، چرا غفلت جناحها، غرورهای کاذب طرفین این حماسه حضور را در کام امت تو تلخ کرد. خدایا اگر تو برانی کجا رویم و اگر تو پذیری چه خوف از غیر. خدایا نوح این کشتی را در نجات امت، از این طوفان ناخواسته توان مضاعف عنایت فرما. خدایا تاکنون تقابل امت با دشمنان بود درد این است که اینک مصداق این سخن سعدی بزرگ شده ایم که:

*از دشمنان برنند شکایت بدوستان*      *چون دوست دشمن است شکایت کجا بریم*  
اینک به برخی از پیامها و سخنان حضرت امام خمینی که در آنان بر اصل وحدت تأکید شده یا به برکات وحدت یا عوارض و مضرات و پیامدهای تفرقه پرداخته است نگاهی اجمالی می اندازیم.

در سال ۱۳۵۵ که یکی از اندیشه های مهم و بنیاین امام در پیامهای ایشان برقراری وحدت بین جوامع و امت مسلمان بود و برای حرکت عظیم خویش که همانا مبارزه مستقیم و رو در رو با رژیم پهلوی بود به تجمیع و وحدت اقشار مختلف بخصوص نسل جوان می اندیشید. سرعنوان این



□ امام با مناعت و بزرگواری همه را بر خوان نعمت انقلاب اسلامی کنار هم می‌نشانند

□ امام خمینی، علل تفرقه را توطئه شیاطین، هواهای نفسانی، گروه‌گرایی مفرط و جزیی نگری می‌دانست

پیامها باز گفت «تفرقه سران و دسیسۀ اجانب» است. سالهایی که امام در برابر «عدم رشد حکومتها و سران قوم» به جوانان روشنفکر و دانشمند متذکر می‌شود:

«اکنون بر شما جوانان روشنفکر و دانشمند است که از اوضاع عبرت بگیرید و بر اجتماع خود افزایش دهید و از مخالفت‌های بی‌اساس احتراز کنید و مکتب‌های بی‌اساس دیگران را کنار گذاشته، به مکتب موقی اسلام رو آورید» (صحیفه امام، ج ۳، ص ۱۷۲).

در سال ۱۳۵۷ در اوج مبارزات علنی مردم با رژیم پهلوی و حضور پرشور مردم در خیابانها (۱۳۵۷/۸/۹) از طرفندهای ابرقدرتها در ایجاد تفرقه بین ممالک اسلامی بصورت تاریخی پرده برمی‌دارد:

وقتی که رجوع می‌کنید به ایران ملاحظه می‌کنید ایران با آنهایی که مجاورش هستند، ممالک مجاورش خوب نیست. ممالک اسلامی به این صورت درآمد و این همین طوری نیست، این طور نیست که این ممالک اسلامی که با هم اختلافات دارند و اختلافات سرسختانه با هم دارند، گاهی هم به جنگ هم برمی‌خیزند، این من‌باب اتفاق شده باشد، خیر، این نقشه‌های آن ابرقدرتهاست که اینها را وادار می‌کند که به هم بپرند و اجتماع نداشته باشند، این قدرت یک میلیاردی نباید روی کار که حوصله را بر آنها سخت کند و به همه غلبه بکند. آن باید چه بکند؟ باید این جمعیتها را، این چیزها را که مثل نهرهای مختلف مجتمع‌اند اما آن نهر با آن نهر مجتمع نیست، اینها را متفرق بکنند از هم، او یک مسلک داشته باشد و آن هم یک مسلک داشته باشد و آن هم یک مسلک، هر کدام یک راه خاصی به خودشان داشته باشند و با دیگران مخالفت داشته باشند، دعوا و جنگ داشته باشند. این یا از خیانت سران ممالک است (ممالک اسلامی) و یا از چهل و بی‌اطلاعیشان هست که نتوانستند اینها باهم تفاهم کنند و همه با هم مثل یک دریایی بشکنند با موج خودشان هرچه که در مقابلشان می‌آید (همان، ج ۴، ص ۲۳۳).

«دوستان من! این اجتماع را، این وحدت را حفظ کنید. شیاطین درصدد اختلاف انداختن

هستند، این وحدت کلمه را حفظ کنید، این قیام لله را حفظ کنید، تا قیام شما برای خداست پیروز هستید» (همان، ج ۶، ص ۸۴).

«اختلاف نداشته باشید در امور، اختلاف همیشه ناشی از جهات نفسانی است. اگر همه انبیاء الآن در اینجا جمع بشوند، اختلاف ندارند برای آنکه آن جهات نفسانی را ندارند. آنوقت که یک طرف جهت نفسانی دارد و یا هر دو طرف جهت نفسانی دارند آن وقت اختلافات پیدا می‌شود. کوشش کنید که آن جهات نفسانی بازیتان ندهد که منشأ مناقشه و اختلاف شود» (ص ۶۷، همان).

«و چنانچه یک وقت خدای نخواستہ هواهای نفسانی در کار بیاید و انسان تبعیت از هوای خودش بکند و بخواهد در مقابل هم جبهه‌گیری بکند خدای نخواستہ اگر یک همچو امری واقع بشود، بدانید که ما مخدول دنیا و آخرت خواهیم بود» (همان، ج ۲۰، ص ۲۳۳ - ۲۳۴).

و آخر کلام این که امام همه را به وحدت در عمل برای خدمت به اسلام و کشور و این ملت بزرگ دعوت می‌کند.

امروز روزی است که کلمه وحدت برای ما فایده ندارد عمل وحدت لازم است. من هم می‌گویم وحدت، اگر بنا باشد که من مخالفت کنم با این، خوب این کلمه‌ای است دیگر، ریایی بیشتر نیست. فکر این مطلب را بکنید، خودتان بنشینید فکر بکنید، رفقای دیگر به آنهایی که اعتقادشان این است که می‌خواهند خدمت بکنند به کشور با آنها تفاهم بکنید. (همان، ج ۹، ص ۲۰۹).

در سال ۱۳۵۸ پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی که دقیقاً جمهوری اسلامی با آرای قاطع مردم ایران رسمیت یافته بود امام نسبت به تلاش اجانب برای ایجاد تفرقه هشدار می‌دهد و همه را به وحدت کلمه دعوت می‌فرماید:

«رژیم طاغوتی رفت و لکن خطراتی هست، دستهای اجنبی در کار می‌باشد تا دوباره ما را به وضع اولیه برگرداند، تفرقه بین صفوف ایرانیان بیندازند و وظیفه ماست که از این نهضت پاسداری کنیم. وحدت کلمه را به کار ببندیم و شما با وحدت کلمه توانستید با دست خالی بر قدرتهای بزرگ پیروز شوید. قدرتهای بزرگ نتوانستند محمدرضا را نگاهدارند. قدرتهای بزرگ مخصوصاً آمریکا و انگلستان برای نگهداری او کوشش فراوانی کردند ولی در برابر خواست ملت کاری از پیش نبردند به هوش باشید! هنوز آنان در صدد از بین بردن شما هستند» (همان، ج ۷، ص ۱۸).

بی تردید امام بعنوان یک رهبر اخلاقی و اصولی و عارف ربانی و فقیه صمدانی با طراحی بسیار دقیق و استراتژیک تمامی رموز پیروزی و پیشرفت نهضت و انقلاب اسلامی و نیز خطرات و



تهدیدات داخلی و خارجی آن را بخوبی می‌شناخت از آنجا که همه اقشار، جناحها، گروهها و حتی افراد در هر سطحی باشند به تذکر همیشه‌گی نیازمندند به استناد اصل قرآنی «تذکران ذکرا تنفع المومنون» فقط در حد تذکر عبارتهایی را از کلام راهگشا و نورانی امام برگزیده‌ایم که در آنها بر پرهیز از تفرقه، عوامل تفرقه و برکات وحدت اشاره شده است.

«اگر هم فرض کردیم که این یک نفر یکجا یک جمعی با او هم عقیده شدند و با هم در یک مقصدی شرکت کردند، لکن سایر افرادی که در جامعه هست با این یا همفکر نباشند و بدتر، اینکه فکر مخالف داشته باشند، اگر همفکر نباشند و به آنها کاری نداشته باشند این یک قدرتی است که از آن کارهای محدودی می‌آید، کارهای کمی از آن می‌آید...» (همان، ج ۴، ص ۲۳۱ - ۲۳۲).



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

#### منابع:

۱. قرآن کریم
۲. صحیفه امام خمینی. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی دوره ۲۲ جلدی. ناشر: مؤسسه چاپ و نشر عروج، چاپ اول، ۱۳۷۸.
۳. وحدت از دیدگاه امام خمینی. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی. ناشر: مؤسسه چاپ و نشر عروج. چاپ اول، ۱۳۷۶.
۴. قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ به ضمیمه شهید مرتضی مطهری. انتشارات صدرا، چاپ پنجم، ۱۳۹۸ق.